

## جایگزینی عظیم چیست»

لورتا چارلتون

چترتون ویلیامز

ماه گذشته، فردی مسلح در فروشگاه والمارت در ال پاسو (در ایالت تگزاس) به سوی مردم آتش گشود، ۲۲ نفر را کشت و بیش از ۲۰ نفر را زخمی کرد. به گفته‌ی مقامات، پاتریک کروسیوس، سفیدپوستی ۲۱ ساله، چند دقیقه پیش از این کشتار جمعی بیانیه‌ای سرشار از نفرت و ضدیت با مهاجران در اینترنت منتشر کرده بود. بیانیه‌ی عامل کشتار ال پاسو با تکرار سخنان مردی که متهم است در ماه مارس بر روی افراد بسیاری در دو مسجد در نیوزیلند آتش گشوده است، به «جایگزینی عظیم» اشاره دارد، نظریه‌ی توطئه‌ای که نسبت به نسل‌کشی سفیدپوستان اعلام خطر می‌کند. گفته می‌شود مبدع نظریه‌ی جایگزینی عظیم رنو کامو، نویسنده‌ای فرانسوی، است. توماس چترتون ویلیامز، روزنامه‌نگار و نویسنده‌ای که **تألیفات متعددی در زمینه‌ی نژاد** دارد، در سال ۲۰۱۷ **شرح حال** او را نوشته است.

حتی پیش از این حمله‌ی وحشیانه در ال پاسو، آقای چترتون ویلیامز استدلال می‌کرد که شعار ملی‌گرایان سفیدپوستی که در سال ۲۰۱۷ در شارلوتسویل راهپیمایی می‌کردند – «جای ما را نخواهید گرفت» – ریشه در نوشته‌های آقای کامو و سایر نظریه‌پردازان فرانسوی همانند وی دارد. با آقای چترتون ویلیامز، که در پاریس سکونت دارد، درباره‌ی ریشه‌های فرانسوی نظریه‌ی جایگزینی عظیم و رواج آن در آمریکا گفتگو کردم. آخرین **کتاب** او با عنوان «خودنگاره‌ی سیاه و سفید: به دست فراموشی سپردن نژاد» طی این هفته منتشر خواهد شد.

می‌توانید نظریه‌ی **جابجایی** را تشریح کنید؟ این نظریه چیست و چرا ابداع آن به آقای کامو نسبت داده می‌شود؟

آقای کامو پاسخ داد «جایگزینی عظیم امر ساده‌ای است، مردمی وجود دارند و سپس در فاصله‌ی یک نسل مردم دیگری جای آنها را می‌گیرند.» وی همچنین تأکید داشت که نفس جابجایی اهمیت بیشتری از هویت جمعیت جدید دارد. همین امر به آقای کامو اجازه می‌دهد

بگوید که اگر چینی‌ها جای ژاپنی‌ها را بگیرند به همین اندازه مصیبت‌بار خواهد بود. اما این فکر جدید نیست. شارل دو گل و ایناک پاول، سیاستمدار راست‌گرای بریتانیایی، نیز آشکارا نگران استعمار واژگونه بودند. آقای کامو این مفهوم آشنا را گرفت و به شکلی جالب و گیرا آن را مجدداً رواج داد.

شما در سال ۲۰۱۷ با آقای کامو درباره‌ی نظریه‌ی «جابجایی‌عظیم» او مصاحبه کردید و استدلال‌تان این بود که ملی‌گرایان سفیدپوست در شارلوتسویل احتمالاً نمی‌دانند شعارشان ریشه‌ای فرانسوی دارد. چه تغییری روی داده است؟ چرا این افکار با چنین سرعتی در آمریکا در حال انتشار است؟

آنچه در آمریکا از ۲۰۱۷، یعنی نخستین سال ریاست جمهوری ترامپ، بسیار تغییر کرده است دیوسازی بی‌امان بالاترین رده‌های مقامات رسمی از مهاجران غیرسفیدپوست، مهاجران اقتصادی و پناهجویان است. بسیاری از این ملی‌گرایان سفیدپوست آمریکایی احتمالاً هنوز نام رنو کامو را نشنیده‌اند اما اصطلاحی که او وارد گفتمان ملی‌گرایان سفیدپوست در عرصه‌ی بین‌المللی کرده مسری از کار درآمده و برای خود حیاتی مستقل یافته است. تیرانداز نیوزیلندی هم از همین اصطلاح استفاده کرده بود.

شما در نوشته‌هایتان تأکید دارید که مبانی‌فکری نظریه‌ی جایگزینی پوشش‌نهر اختیار برترین‌داران سفیدپوست، راست‌گرایان افراطی و هویت‌گرایانی‌مانند **ریچارد اسپنسر** قرار داده و به آنان اجازه می‌دهد استدلال کنند که نژادپرست نیستند اما ضدجهانی‌شدن‌اند و باید نظامی را نابود کنند که هدفش از میان بردن هویت و تکثر به کمک سرمایه‌داری چپ‌اولگر است. چگونه این دیدگاه‌ها که زمانی به جنبشی حاشیه‌ای تعلق داشت اینک به جریانی اصلی مبدل شده‌اند؟

یکی از اقدامات بسیار هوشمندانه‌ی هویت‌گرایان – و باید گفت این روزه‌ای که برای سوءاستفاده‌ی آنان گشوده شده تا اندازه‌ای به دست چپ‌گرایان پیشرو فراهم آمده است – این است که ریاکارانه ادعا می‌کنند «سفیدپوست بودن» آنها صرفاً یکی از اشکال تکثر است که در خطر نابودی قرار دارد. به همین دلیل است که شما در بیانیه‌ی ال پاسو می‌بینید از «آمیزندگان بی‌شرم نژاد» که «تکثر ژنتیکی را نابود می‌کنند» اعلام بیزاری می‌شود.

این بیانیه بر ناممکن بودن و حتی غیراخلاقی بودن تلاش برای بیرون کردن غیرسفیدپوستان اذعان دارد و در عوض از ایده‌ی قلمروهای مجزا برای گروه‌های نژادی مختلف حمایت می‌کند. این امر به نویسندگی بیانیه اجازه می‌دهد از گفتن این که سفیدپوستان نژاد برترند خودداری کند و به جای آن بگوید باید از آنان مانند هر گروه دیگری محافظت کرد. دلیل

هوشمندانه بودن این استدلال آن است که این منطق به ظاهر برابری طلبانه بسیار بیشتر از اصطلاحات جنون‌آمیزی مانند «نسل‌کشی سفیدپوستان» افراد را قانع می‌کند.

رسانس آمریکایی، ضدجریان، تلوس، آرکتوس: این‌ها وب‌سایت‌های راست‌گراپی‌اند که به نظریه‌ی جایگزینی متوسل شده‌اند. با خواندن این وب‌سایت‌ها به چه نتیجه‌ای رسیده‌اید؟ آیا برداشت شما این است که آنها در حال گسترش و افزایش‌اند؟

به هیچ‌وجه فکر نمی‌کنم تعداد خوانندگان این رسانه‌ها افزایش چشمگیری پیدا کرده باشد اما هدف راست‌گرایانه‌ی آنان برای شکل‌دهی به گفتمان فراگیرتر آشکارا تأثیرگذار بوده است. ما اکنون در یکی از رسانه‌های جریان اصلی مشغول بحث بر سر نظریه‌ی جایگزینی هستیم و این امر آنها را خشنود می‌کند.

در بیانیه‌ی ال پاسو، نویسنده استدلال می‌کند که آمریکا باید به «کنفدراسیونی از قلمروها تقسیم شود به طوری که هر نژاد دست‌کم صاحب یکی از این قلمروها باشد» تا اختلاط نژادی از بین برود و وحدت اجتماعی بهبود پیدا کند. آیا شنیده‌اید که دیگران نیز چنین پیشنهادی داشته باشند؟ ریچارد اسپنسر و دیگران رؤیای دولت-قومیتی سفیدپوست را در سر می‌پرورانند – این همان قلمروی شمال‌غربی است که قرار است از مونتانا تا آرگن و ایالت واشنگتن امتداد داشته باشد. (گاهی شمال کالیفرنیا، شمال‌غربی کلرادو، شمال یوتا، آلاسکا، بریتیش کلمبیا و آلبرتا نیز بخشی از آن به حساب می‌آیند.) ایده‌ی آنان این است که برترین‌داران سفیدپوست و سفیدپوستان همدل با آنان به آنجا منتقل شوند و این ناحیه را میهن آریایی اعلام کنند.

«خاطرات ترنر» **متن** دیگری است که توجه‌ها را به خود جلب کرده و در آن درباره‌ی دولت-قومیتی سفیدپوست خیال‌پردازی‌هایی شده است. آیا به نظر شما این دو متن به یکدیگر مرتبطند؟ در فرانسه هیچ‌گاه نشنیده‌ام به «خاطرات ترنر» ارجاع داده شود اما این متن تنها پنج سال پس از «اردوگاه قدیسان» **اثر** ژان راسپای منتشر شده است. راسپای در این اثر درباره‌ی ویرانی تمدن غربی بر اثر مهاجرت توده‌ای هندیان خیال‌پردازی می‌کند. استیو یین، استراتژیست ارشد پیشین ترامپ، به این متن **اشاره** کرده است.

نویسنده‌ی بیانیه ادعا می‌کند نژادپرست نیست اما در همان حال مروج دیدگاه‌های نژادپرستانه است. این

تناقض عمومیت دارد، دلیل آن چیست؟

فکر می‌کنم این استدلال صرفاً فایده‌ای شعاری دارد زیرا هدف آن ترویج یک دیدگاه و جذب بیشترین تعداد ناظران همدل است. امروزه، نژادپرستی آشکار تنها می‌تواند موضعی حاشیه‌ای باشد. این نژادپرستی آشکار باعث واپس راندن افراد بسیاری می‌شود که در صورت تغییر شعار می‌توانند به افرادی همدل مبدل شوند.

برگردان: هامون نیشابوری

---

لورتا چارلتون اهل کالیفرنیا و ویراستار و ستون‌نویس در نشریات گوناگون از

جمله نیویورکر و نیویورک تایمز است. آن‌چه خواندید برگردان این نوشته‌ی او با عنوان اصلی

:زیر است

Lauretta Charlton , **‘What Is the Great Replacement?’**, The New York Times, August

6, 2019.

منبع سایت آسو